

مدنیت تاریخی

افغانستان در ماورای سند

آثار و اطلال تکسلا :

در عصرهائی که هنوز خورشید جهان تاب اسلام در کوهسار باعظمت افغانستان نتابیده بود. (۱) این کشور معمور و آبادان مدنیت روشن و تابناکی داشت که آثار آن علاوه برین سرزمین بقلب مملک وسیع هندوستان نیز رسیده بود. سبک صنایع "گریکوبودیک" که جامع مزایای خیال پروری هند، و حقیقت (۲) فاتحین یونان بود مرکز آن مدرسه "گندهارا" و "هده" افغانستان عزیز است.

آثار برجسته این سبک در وادیهای ماورای اندوس "سند" و پشاور و سوات نیز دیده می شود، که از نقطه نظر آر کیولوجیا (عقیقه شناسی) خیلی مهم و گرانبهاست، مخصوصاً مدرسه معروف تکسلا Taxila که پرورنده و مروج این سبک صنعت و مدنیت قدیم وطن ماست، در تاریخ افغانستان اهمیتی بسزا دارد، در وقتیکه یادی از مراکز مدنیت قدیم بگذرد نمی توان این یونیورستی تاریخی مدنیت قدیم وطن را فراموش نمود. بنا بران درینجا راجع به این مدرسه قدیم، و مرکز

مدنیت و تمام آنجا هائی که مظاهر آن در ماورای کوهسار خیبر آشکار است مختصری نگارش مییابد؛ تا نفوذ و سیطره تاریخی مدنیت باستان وطن ما بنظر خوانندگان محترم روشن شود :

تکسلا :

بیست میل بسوی شمال مغرب شهر راولپندی، پنجاب یک ایستگاه راه آهن است که تکسلا نامیده می شود، اگر کسی چند سال پیش بشمال مشرق این ایستگاه نظر می انداخت، جز زمین خاره و بابر و کوه های خورد، و تپه های خشکی بنظر نمیرسد، این زمینی که جوف آن از ذخائر گرانبها و مظاهر مهمهٔ دنیت باستان پراست، دریک وادی شادابی واقع است که از دریای هروارو و معلونین آن تمر اولندی سیراب می شود از یکطرف کوه های مارگله، و از جانب دیگر سلسلهٔ جبال مری و هزاره حصار طبیعی و محفوظ این قطعه خاک شمرده می شود. قطعهٔ زمینی که بنام "سرای کالا" معرف بود، و بعد ها آنرا تکسلا نامیدند جز زمین خاره ولم یزرعی غیر مرتی بیش نبود، ولی بعد از چندی آثار گرانبها و خیلی قیمت داری را از قلب آن کشیدند، و اطلال شهر های تاریخی عظیم الشانی از آن کشف نمودند، که توجه تمام عتیقهٔ شناسان دانا را بخود جلب نموده، و شهراه جدیدی را در تاریخ آسیای وسطی و وطن عزیز ما کشودند. آثار مدینه و مصنوعاتیکه ازین خاک برآمد، با آثاریکه در گندهارا و هده و دیگر حصص وطن ما از طرف هیئت های علمی عتیقه شناسی بدست آمده، از حیث وحدت سبک و سلیقهٔ صنعتی خیلی نزدیکی دارد، و نفوذ مدنیت تاریخی و سبک یونانی و بودائی صنائع باستان وطن ما را ظاهر می سازد.

اکتشاف :

تکسلا چون بر شاهراه بزرگ تاریخی آسیای وسطی و هند واقع بوده در عصرهای قدیم اهمیت زیادی داشت و تمام فاتحین هند چون از معبر خیبر ورود بار سنده بسوی هند می گذشتند، تکسلا یک شهر معمور و مرکز عظیم الشانی در دم راه آنها واقع بود چون سیاح مشهور چینی هیوان تسانگ (Hiuan Tsang) (هیونستن) در قرن هفتم میلادی از راه هندوکش و کابل و هده باین شهر آمده و یادداشت های سفر خود را مرتباً گذاشته است بنا بران از مدتی توجه ماهرین علم الآثار باین طرف بوده و گاه گاهی دهقانهای اطراف، مسکوکات و آثار کهنه را نیز در آنجا می یافتند، تا که چند سال پیشتر از طرف سی . آی . ای سرجان مارشل : C. J. E. sir John Marshul مدیر عمومی آثار عتیقه هند حفاری مرتب و علمی دران منطقه تاریخی آغاز و آثار خیلی قیمتمدار و مهمی ازان بمیان آمد. اطلال و خرابه های سه شهر، مسکوکات زیورها، ظروف بی شماری ازان کشف گردید، که دروازه جدیدی را در تاریخ مدنیت آسیا کشود، و یک موزیم پر افتخاری از صنائع و مدنیت کهن افغانستان که ازان شهرها در ضمن حفاری و عملیات کاوش بدست آوردند، بوجود آمد.

مثلیکه تمام عتیقه شناسان و کاوندگان آثار کهنه عقیده دارند، مرکز سبک صنعت و مدنیت قدیم تکسلا همان وادی های گندهارا و سمت مشرقی افغانستان و اراضی کابل و سمت شمالی است. و این شهرستان تاریخی در عصور سالفه جزوی از خاک وطن ما بوده و یکی از مدارس سبک کلاسیک و سلیقه تاریخی صنعت قدیم همین تکسلا است که اکنون از زیر توده های خاک آثار و علایم برجسته مدنیت و حضارت

کهنه آن دیده می شود، و در حدود قرن ششم و هفتم قبل المیلاد درین موقع شهر عظیم الشان و پرشکوهی وجود داشت. (۳)

سه شهر :

تاکنون که هیئت های عتیقه کاوش و جستجو کرده است در مسافت سه چار میل خرابه های سه شهر قدیم را یافته اند که نام قدیمترین آن "بهر" است و آثار آن میان "سرای کالا" و دریاچه تمراء واقع بوده طول شهر شمالاً و جنوباً (۱۲۱۰) متر و عرض آن شرقاً و غرباً (۷۳۰) متر است، این شهر چندین صد سال پیشتر از حمله یونانی ها معمور بوده، و مدنیتهی داشت ازین شهر قدیم ظروف گلی و مسکوکات و زیورات طلائی و احجاز نفیسه چون یاقوت نیلم، و غیره بدست آورده اند، که در قرن سوم پیش از میلاد در آنجا نهاده شده بود.

شهر دوم عبارت از "سرکپ" است، که فصیل و امکنه و بازارها و جاده ها و عمارات شاهی و معابد و دارالعلوم های آن تماماً کشف گردیده محیط قلعه آن (۶) هزار متر و بلندی آن تا (۱۵) فت است این شهر بروج و باره داشته، تا قرن دوم میلادی معمور بود، آثار زیادی در حین حفاری آن بدست آمده، که عبارت از ظروف گلی، و آهنی و پیاله های آبخوری کوزه های کلان، چوکی ها، شمشیرها، زیورها، شیشه مسکوکات و غیره می باشد، و اصول زیست و تمدن و تهذیب آن عصر ها را نمایندگی می کند.

به طرف شمال شهر سرکب نزدیک جندیال توده های خاکی است که آثار معابد کهنه را از آن بر آورده اند و یکی از آنها (۲۵) فت بلند و (۱۵۸) فت طویل بوده، و از بقایای عصر زردشتی شاهان بلخی پارت است که مدت زیادی این دین با مدنیت مخصوص آن در افغانستان

تسلطی داشت. شهر سومی که "سرسکه" نامدارد. از طرف شاهان کوشانی وطن ما آباد گردیده و فصیل آن تقریباً سه میل مستطیل و دیوارهای آن (۱۸) فـت است، بر مسافت (۹۰) میل دارای بروجی است و درین شهر اکنون سه قریه خورد و کوچکی موجود است، از اینجا در عهد جلال الدین اکبر مغولی نیز مسکوکاتی بدست آمده بود، و اکنون مسکوکات مسی و دسته های عاج از آن کشف گردیده است.

معابد و ستوپه ها :

معابد و مقامات مذهبی که در سلسله حفریات تکسلا کشف گردیده، مهمترین آن ستوپه (۴) "دهر ماراجیکا" است که بنام (چیرتوپ) نیز معروف است.

این بنای تاریخی در یک میدان بلندی بالای دریاچه تمراه واقع است، که نزدیک آن آثار معابد و ستوپه های خورد دیگری نیز واقع بوده، و ستوپه کلان آن بشکل دایره ایست. که از چار طرف زینه ها بان بالا شده اندرون آن حقه را یافته اند، که استخوان های سوخته دران نهاده شده همچنین سنگی موجود است که حمائل سفته لعل، بلورسنگ سلیمانی، یاقوت نیلم، عقیق، فخرآج، فیروزه، صدف و غیره بطرف زرین آن مانده اند. کذلک در ستوپه های خورد مسکوکات قدیمه و زیورهای نیلم، مرجان، بلور، یاقوت، و مجسمه های چونه (همچون آثار مکشوفه گندهارا) و بسی از آثار گرانبها بدست آمده است. مثلاً در یکطرف _ نقره یک حقه طلائی را یافته اند، که دران استخوانهای سوخته و خاکستری موجود است، و جمعی از علمای آثر درین باره گفته اند که استخوان بود بادیگر پیش وایان بزرگ خواهد بود. همچنان یک حصه مجسمه بودا را یافته اند، که حصه پائین بدن و

لباس آن باقی است و از حد پاشنه تا انگشتان پا (۵) فت و سه انج است و ازین می براید که اصل مجسمه تا (۳۵) فت بزرگ می بود، از یک ستوبه خوردی (۵) عدد مسکوک طلائی کوشانی ها را نیز کشف کرده اند.

باین معابد و آثار مذهبی عمارات و بناهای دیگری نیز کشف شده، که در آن دو مجسمه بزرگ بودا بدست آمده و سر آن صنائع شده است. پیش روی ستوبه ها تالایی است که معاصر دولت پارت شناخته میشود و بر چار طرف آن ستوبه های کوچکی بنا شده که در یکی از آنها ظرفی مانده شده، دارای خاکستر و مسکوکات عهد امپراطور کنشکا که در حدود قرن اول مسیحی شاهنشاه بزرگ آسیا بشمار میرفت و مرکز حکومتش پرس پور (پشاور) بود. (۵)

ستوبه بزرگ دیگری که درین حفاریات و کاوش های تاریخی ظاهر شده بنام کنال موسوم است هیوان تسانک سیاح چینی وقتیکه در قرن هفتم میلادی به تکسلا آمده بود، درینجا اقامت داشت مشارالیه یادگارهای چارگانه بودا را که در اطراف این شهر موجود بوده ذکر کرده است.

یکی از آن یادگار ها تالاب "ایلپترا" است نزدیک حسن ابدال که سکه ها آنرا "پنجه صاحب" می گویند و روایات عجیبی را راجع بدان ذکر میکنند.

یادگار دوم عبارت از ستوبه ایست که مطابق به یک پیش گوئی شاید ازینجا خزینه کشف گردد، یادگار سوم ستوبه "سروالا" و چهارم ستوبه خوردیست که از عمرانات شهنشاه معروف اشوک (۲۷۳ - ۲۳۲ م) است. (۶) و می گویند که بنای چهارم بیادگار واقعه اعمار گردیده که درینجا فرزند اشوک کنال "از طرف مادراندرش کور شده است.

ستوپه کنال بسمت مشرقی شهر سرکپ واقع و کرسی آن شمالاً و جنوباً (۱۰۵) فت و شرقاً و غرباً (۶۴) فت بلند است نزدیک آن خانقاهی موجود است که بلندی دیوارهای آن تا (۱۴) فت و طول آن (۲۵۰) فت و عرض تا (۲۰۰) فت میرسد در اطراف آن حجره هائی بناشده است.

دیگر از آثار برجسته تکسلا اطلال "لالچک" است که بشمال مشرق شهر "سرسکه" بفاصله دونیم صد گز واقع بوده و آثار بودائی زیادی در تپه های آن پدیدار است که تاریخ آن بقرن چهارم مسیحی صعود میکند و مسکوکات نقره عهد هفتالیت از آن می برآید، معلوم است که این ابنیه تاریخی پیش از قرون (۶ - ۷) مسیحی خراب گردیده است، از مابین یک ستوپه بتعداد (۱۴۰) دانه مسکوکات مختلفه شاهان از منه متفرقه و نگین های پر بهائی بدست آمده است.

کذلک ستوپه موضعی (بادل پور) نزدیک (بهیره) که زیاده تر دستخوش حوادث روزگار گردیده و آثار کمی از آن نمایان است مسکوکات شاهان کوشانی راجه کنشک. هوشک. اسودو از آن بر آمده و عمر آن به قرن سوم میلادی میرسد.

بعضی از عمارات عصر بودائی بحالت نهایت دوستی بر آمده اند، که تصاویر دیوارهای آن تاکنون نمایان است معابد، غسل خانه ها. تحویل خانه ها، کتابخانه و اغلب مقامات آن بصورت صحیحی کشف گردیده، و مجسمه های حالت استغراق بودا ظاهر شده است ستوپه که بنام (بهلتر) یا دمی شود و تحت کاوش عدققین واقع گردیده پنج میل دور از (سرای کالا) بفاصله نیم میل از دریای (هرو) کائن است.

طوریکه هیوان تسانک (سیاح چینی) معلومات میدهد. از طرف شهنشاه اشوک معرف بیادگار عنعنه مذهبی بنا یافته که میگویند مهاتما بودا، در دور اول حیات خود درینجا خود اقرباتی کرده است.

حوادث تاریخی تکسلا :

این معموره و درسگاه تاریخی دنیا که "تکسلا" یا "تکه-شلا" نامیده می‌شد، مؤرخین یونان نیز "تکسلا" ضبط کرده اند، قدامت شهر تکسلا را از پنجا باید فهمید که در قدیم زین آثار ادبی و حماسی هند مهابهارت (۷) ذکر گردیده.

از کتب دینی بودائی بوضوح می‌رسد که شهر عظیم الشانی تکسلا دارای دارالعلومی بود که در آن عصر ها شهرتی بی اندازه داشت.

فتح اسکندر :

اسکندر مقدونی در سال (۳۲۷ هـ. م) از راه هندوکش و معبر خیبر از دریای سند گذشت و بر شهر تکسلا حمله آور گردید (۸) حدود سلطنت مشرقی افغانستان در آن عصر ها تا بدریای جهلم امتداد داشت و اسکندر آنرا بتصرف خود آورد، ولی بمقابلش بر ساحل دیگر جهلم راجه پوروس Poros تهیه دیده و جنگ شلیدی واقع گردید، این جنگ که در تاریخ جربی هند اهمیت دارد (۹) به شکست و هزیمت ندیها خاتمه یافته و راجه آمبھی وائی فرمانفرمای تکسلا، که با اسکندر از در موافقت و معاضدت آمده بود، از طرف اسکندر واپس بسلطنت تکسلا بر قرار گردید، و نیز به پوروس سلطنت موروثی خود اعلاہ شد. (۱۰)

در سال (۳۲۳) قبل مسیح چون اسکندر از دنیا در گذشت، راجه چندر گپت مشهور از شاهان مشهور دولت موریه که شاه مدیر و با فر استی بود (۱۱) و تمام هند و یک حصه افغانستان بتصرفش آمد، پنجاب و تکسلا را نیز ضمیمه ممالک خویش ساخت (۱۲) ولی بعد از مدتی تکسلا از سلطه سلطنت موریا آزاد گردیده و کمی بعد از آن از طرف ولیعهد راجه (شهباده اشوک) تسخیر و بصفت نائب السلطنه در آن قیام

داشت در سال های اخیر قرن سوم قبل المیلاد که راجه اشوک در گذشت سلطنت موریان نیز پریشان و تکسلا همچون صوبه جات دیگر مملکت آزاد گردید.

دوره دوم یونانی ها :

فاتحین و سپه سالاران یونان که با اسکندر کبیر بفتح آسیا آمده بودند، بعد از مراجعت اسکندر مدت (۳۵۰) سال از (۲۵۰ ق، م تا ۱۰۰ ع) بربیک حصه هند و افغانستان حکمرانی داشتند، که اینها را شاهان یونان باختر میتوان گفت (۱۳) سلطنت یونانی های باختر که مدنیت هلنستیک (۱۴) را بعد از سکندر در آسیای وسطی با مدنیت هند آمیختند در حدود (۱۷۰) قبل المیلاد حصص مشرقی افغانستان و تکسلا را بتصرف خود آوردند در عهد این دولت باختری مدنیت هند و یونان بهم آمیخته و طراز معروف (گریکو بودیک) را خوبتر بمیان کشید، که دارالعلوم تکسلا یگانه پرورشگاه این سلیقه و اسلوب مدنیت و صنعت شمرده میشد.

و با مدنیت گندهارا و سمت مشرقی افغانستان و وادی پشاور اشتراک و رابطه قریبی داشت، و همین سبک مخصوص صنعت و مدنیت تاریخی وطن ماست، که تا مدت زیادی مراکز معمور و آبادان سمت غربی هند را زیر نفوذ و سیطره خود گرفته بود.

بعد از یونانی های باختری جمعیتی از سکنه سیستان که در هندوستان (ساکا) می گفتند از دیار اتک گذشته و بر پنجاب حمله نمودند و یک قرن قبل از مسیح تکسلا را نیز تسخیر نموده و بدولت پارتها سپردند.

دوره کوشانیها :

از سال (۵۰ تا ۶۰) مسیحی که کوشانی های تخاری افغانستان دولت پارتیا را مغلوب نمود از وادی کابل بسوی تکسلا نیز گذشته و بتصرف خود کشیدند. در قرن دوم مسیحی که شهنشاه معروف کوشانی افغانستان کنشک حدود سلطنت کوشانی افغانستان را از وسط آسیا تا بنگال وسعت داد، و پرس پور (پشاور) پایه تخت شانی وی بوده، تکسلا نیز رونقی بسزا گرفت، تا قرن پنجم میلادی تکسلا به دولت کوشانی تعلق داشت.

ویرانی تکسلا :

در حدود سنه (۴۵۵) میلادی که هفتالیت های تخاری افغانستان سلطنت کوشانی را از پا در انداختند، و در نواح هندوکش سلطنتی تشکیل دادند، اینها بر سواد اعظم هند تاخته و سلطنت دودمان کپتا را خاتمه دادند (۴۵۰ - ۵۲۸ میلادی) از تحریرات کالینداس شاعر معروف همچنین از موکلفات دیگر آن عصر چون : ارتها شاستر و اشتادهیا نیز از تفصیلاتیکه سیاح چینی فاهیان در حدود (۴۰۰ ع) داده بوضوح میرسد که درین عصر ها، حصه شمالی مغربی هند جلوه گاه مدنیت گندهارای افغانستان بوده، و کانون بودائیت شمرده میشد، و معابد و زیارتگاه های آن خیلی معروف و آبادان بود. (۱۰) ولی از هجوم دولت هیطل (هفتالیت) در جمله تمام آثار بودائی تکسلا نیز از عروج خود کاسته و تمام معابد و صوامع بودائی آن برباد و فنا رفت. و بعد ازین ستاره تکسلا در آسمان مدنیت ندرخشید، و در نتیجه خانه جنگی های حکام محلی از انهمه عروج و عظمت در خاک ناکامی و خرابی روی نهفت و در قرن (۷) میلادی یک ولایت خورد سلطنت کشمیر بحساب رفت.

حریق تکسلا

از مطالعه اطلال و آثار این شهرستان تاریخی می‌راید که اغلب معابد و صوامع تکسلا در نتیجه حریق مدهشی طعمه آتش گردیده و این آتشزدگی در حدود قرن (۵) مسیحی اتفاق افتاده است زیرا در بعضی از حجرات آن یاقوتی بدست آمده که بخط بر اهمی عهد کپتا این الفاظ بر آن کنده است "سری کلیشوراداسی" همچنین از کتیبه سنگ دیگر می‌براید که این آتشزدگی پیش از عهد کپتا اتفاق نیفتاده که مصادف با قرن (۵) میلادیست. (۱۶)

وادی پشاور و دره خیبر :

اهمیت تاریخی دره خیبر که یگانه معبر فاتحین هند درازمنه سالنه بوده است خوبتر از جلدهای ضخیم سیاحت نامه سیاح امریکائی ماسن آشکار است که سال (۱۸۲۶) نگاشته شده است. ستوپه (شپولا) یا خیبرتوپ که بر اس کوه بلند کافر کوت واقع است. یا ستوپه‌های که در وادی تکسلا کشف گردیده مشابهت زیاد و نزدیکی تمامی دارد. از معابد و اطلال مجسمه‌های بودا و مسکوکات طلائی و اشیای گرانبهائی برآمده که تاریخ آن بعهد دولت کوشانی صعود میکند.

همچنان در خرابه‌های تخت بهائی خانپور خوشحال گده. و نزدیک اسلامیه کالج پشاور آثاری بدست آمده که عیناً به آثار تکسلا و ستوپه خیبر می‌ماند. علاوه بر آنها از نقطه نظر عتیقه‌شناسی مقام علی مسجد نیز دارای اهمیتی است که فراموش نتوان کرد. (۱۷)

این بود بعضی از آثار مدنیت قدیم گندهارا که بسمت سرحدات شرقی افغانستان ماورای دریای سنده موجود است. (۱۸)

ماخذ

۱. قرن‌ها قبل از ظهور اسلام این مملکت دارای مدنیت بزرگی بوده و آثارش در اطراف و جوانب مخصوصاً علاقه‌های شرقی رسیده بود.
۲. حقیقت فاتحین یونان واضح نیست ولی صنایع یونانی بودائی با تخیلات هند در مجسمه‌سازی این سرزمین تمام دارد. (انجمن)
۳. تاریخ هند قدیم مسترایم، یا نیکار ایم. ای آگسن.
۴. در ابتداء کلمه ستوپه تنها بر بناهایی اطلاق می‌شد، که برای دفن مشاهیر مخصوص بود، ولی بعد ازان بر معابد و مقامات مذهبی که برای حفظ آثار بودائی یا بیادگار حواریون بودا پنا می‌شد، نیز اطلاق گردید.
۵. تاریخ هند ای مارسدن بی. ای ج ۱.
۶. تاریخ هند قدیم ایم پانیکار حصه ۱
۷. مه‌بهارت کتاب رزمیه است که دران جنگ عظیم خاندان کوردپاندو را منظوم نموده اند.
۸. تاریخ ایران قدیم مشیرالدوله
۹. تاریخ هند قدیم و سنت سمتھ
۱۰. تاریخ ملل شرقی و یونان البرمالی، ژول ایزاک.
۱۱. یکنفر سفیر یونان می‌گاش تهنیز از طرف سیلوکس نیکاتورشاه انطاکیه - که مدتی در پایه تخت این شاهنشاهی اقامه داشت، اوضاع اجتماعی و سلطنتی و مدنی این دوره را مفصلاً نگاشته است. که نظم حکومت و تدبیر زیاد این راجه ازان ظاهر است.
۱۲. تاریخ هند قدیم ایم پانیکار
۱۳. تاریخ هند ای مارسدن ج ۱
۱۴. Hellenistique.

۱۵. تاریخ هند قدیم ایم پانیکار

۱۶. مضامینیکه درین مقاله بدون حواله مانده است اقتباس است از مجله معروف "الهلال" هند و راهنمای تکسلا" مؤلفه جون مارشل.

۱۷. اقتباس از یک مضمون عتیقه شناسی انگلیسی.

۱۸. مجله کابل، سال ۱۳۱۴ ش، شماره مسلسل ۵۵، ص ۳۱ - ۴۳.